فصل‌نامه رهیافتی در جامعه شناسی و توسعه

دوره ۲، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۵، صفحات ۹۲ تا ۱۱۲

https://www.jasd.ir

eISSN: 3115-7955

Research-Quantitative

A Sociological Analysis of Social and Cultural Factors Affecting Body Management Among Female Master's Students at the University of Mazandaran

Hamid Sahrabani

Department of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

Receive:
30 May 2026
Revise:
10 June 2026
Accept:
13 August 2026

Keywords:
Social factors, cultural factors, body management, female students.

Abstract

Objective: The aim of this study was to conduct a sociological analysis of the social and cultural factors influencing body management among female master's students at the University of Mazandaran. **Method:** This study employed a descriptive-correlational survey design. The statistical population consisted of 1,096 female master's students at the University of Mazandaran; a sample of 285 students was selected using a multi-stage cluster sampling method based on Cochran's formula. Data were collected using a researcher-made, 73-item questionnaire regarding social and cultural factors affecting body management. The validity and reliability of the instrument were measured at 0.91 and 0.89, respectively. All statistical analyses were performed using SPSS and LISREL software. **Findings:** The data analysis revealed a significant relationship between social factors and body management among the female master's students at the University of Mazandaran. Similarly, a significant relationship was found between cultural factors and body management among this group. **Conclusion:** Young women place special importance on their physical appearance and bodies. In the current climate, body and appearance management has also become particularly important for young men—a trend likely influenced by the characteristics of late modernity. In late modernity, the clothing we wear and the ways we adorn our bodies give rise to a "body-centric" concept that shapes our sense of self and personality. Consequently, young women prioritize and monitor those aspects of their appearance that fall within their own control and sphere of agency.

Please cite this article as (APA): Sahrabani, H. (2026). A Sociological Analysis of Social and Cultural Factors Affecting Body Management Among Female Master's Students at the University of Mazandaran. (e252886). *Approaches in sociology and development*, *2*(2), 92-112.

https://doi.org/10.22034/jasd.2026.602247.1039

Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Raz Nahan Publishing.
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

Publisher: Raz Nahan Publishing (RN.PUB)

Corresponding Author: Hamid Sahrabani | **Email:** hamid_sahrabani@yahoo.com

فصل‌نامه رهیافتی در جامعه شناسی و توسعه
Journal of Approaches in Sociology and Development
https://www.jasd.ir
دوره ۲، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۵، صفحات ۹۲ تا ۱۱۲
پژوهشی - کمی
eISSN: 3115-7955

تحلیل جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران

حمید صحرابانی
گروه جامعه شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

تاریخ دریافت:
۰۹ خرداد ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری:
۲۰ خرداد ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش:
۲۲ مرداد ۱۴۰۵
کلید واژه‌ها:
عوامل اجتماعی،
عوامل فرهنگی،
مدیریت بدن،
دانشجویان دختر.

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، تحلیل جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران بود. **روش:** روش پژوهش حاضر توصیفی پیمایشی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران در سال ۱۴۰۵ بودند به تعداد (۱۰۹۶) نفر، که از این تعداد ۲۸۵ بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و طبق فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه ۷۳ سوالی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مدیریت بدن (محقق ساخته) استفاده گردید. روایی و پایایی آن به ترتیب ۹۱/۰ و ۸۹/۰ سنجیده شد. تمام تجزیه و تحلیل‌های آماری از طریق نرم افزارهای کامپیوتری SPSS و LISREL انجام گرفت. **یافته‌ها:** نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد بین عوامل‌اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی‌داری وجود دارد. بین عوامل‌فرهنگی مؤثر بر مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی‌داری وجود دارد. **نتیجه‌گیری:** دختران جوان به ظواهر جسمانی و بدنی خود اهمیت ویژه‌ای می‌دهند. در شرایط حاضر مدیریت بدن و ظاهر نیز برای پسران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که احتمالاً می‌تواند متأثر از ویژگی‌های مدرنیته متأخر باشد. زیرا در مدرنیته متأخر، آنچه ما می‌پوشیم یا آنچه که بدن خود را توسط آنها آراسته می‌کنیم، نوعی ایده بدن محوری را مطرح می‌کند که خود و شخصیت ما را می‌سازد. در نتیجه، دختران جوان به آن ظواهری از زندگی خود اهمیت داده و بر آن نظارت دارند که تحت کنترل و در حوزه قدرت خود دارند.

لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA): صحرابانی، حمید. (۱۴۰۵). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران. *فصلنامه رهیافتی در جامعه شناسی و توسعه*، ۲(۲)، ۹۲-۱۱۲.

https://doi.org/10.22034/jasd.2026.602247.1039

Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Raz Nahan Publishing.
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

ناشر: انتشارات راز نهان

ایمیل: hamid_sahrabani@yahoo.com
نویسنده مسئول: حمید صحرابانی

مقدمه

جذابیت و زیبایی جسمانی از جمله موضوعاتی است که در جوامع مدرن امروزی استانداردهای جدیدی یافته و از عوامل شکل دهندهٔ روابط افراد به شمار می رود؛ به طوریکه مدیریت بدن در دوران مدرن اهمیت بیش‌تری یافته و رفتارهای مختلف، از جمله رژیم‌های لاغری، وسایل ورزشی و آرایشی گوناگون برای مراقبت از بدن ساخته شده است (کاپوچیا و همکاران[1]، ۲۰۲۵: ۴). بدن محملی برای ابراز هویت و نمادی از شخصیت فرد محسوب می شود. و کنترل بر بدن و توجه به ترکیب، تزئین و هیبت ظاهری و بیرونی آن ابزاری است که به جوانان امکان می‌بخشد روایت مشخصی از هویت شخصی را حفظ کنند و آن را در معرض تماشای دیگران قرار دهند (فیلیپو و همکاران[2]، ۲۰۲۵:۴۸۱). با افزایش اهمیت خود که از محصولات جامعه مدرن است بدن به عنوان واضح ترین و آشکارترین حامل خود، جایگاه خاصی پیدا کرده است که توجه مجدد به بدن و رواج آن در متون جامعه‌شناسی دو دهه‌ی اخیر مباحث گسترده‌ای را حول محور موضوعاتی نظیر هویت، مصرف، سبک زندگی و زیبایی در نظریه پردازی‌های اجتماعی برانگیخته است و الگوهای دخیل در مدیریت بدن را همچون سایر حوزه‌های زندگی آدمی تحت سلطه قرار داده است که می‌توان از جامعه‌ی بدنی و یا عصر بدن سخن گفت (هیویت و موری[3]، ۲۰۲۴: ۷۸). امروزه افراد طبقات مختلف به بدن و ظاهر بیرونی آن توجه فزاینده‌ای نشان می‌دهند. بطوریکه همگان (به خصوص زنان) بدن، چهره و فیزیک ظاهر خود را مطابق با الگوهای زیبایی مورد تبلیغ و پذیرش جامعه تغییر می‌دهند (حاجی زاده میمندی و دیوبند، ۱۴۰۴: ۸۹). کنترل بر بدن و توجه به ترکیب، تزیین و هیبت ظاهری و بیرونی آن، ابزاری است که به جوانان به ویژه دختران امکان می‌بخشد روایت مشخصی از هویت شخصی را حفظ کنند و آن را در معرض تماشای دیگران قرار دهند. بدین ترتیب، فرهنگ بدن بیانگر اهمیت فزاینده‌ای است که بدن به مثابه کانونی برای تعامل و باز اندیشی فرد نسبت به خویش یافته است (فیوراونتی و همکاران[4]، ۲۰۲۳: ۴۰۷۴). مطالعات اجتماعی و فرهنگی بدن را عرصه‌ای جدی برای نظریه پردازی و مطالعات تجربی ساخته است و رویکردهای مختلف، مکانیسم ها و فرآیندهای متفاوتی را موجب توجه افراطی به بدن و نارضایتی از آن معرفی می کند که جنبه های فردی، اجتماعی، ایدئولوژیک، زبانی، روابط قدرت و موارد مشابه را در بر می گیرد. بدین سان، فرهنگ بدن را باید منظری دانست که به کمک آن می‌توان تحولات اجتماعی، فرهنگی و روند آنها را ارزیابی کرد (عبدلی و همکاران[5]، ۲۰۲۴: ۳۰۶). مدیریت بدن برای انسان مدرن اهمیت بسیاری یافته و به یکی از مهم‌ترین دغدغه هایش تبدیل شده است. در این میان، به دلیل وجود ایدئولوژی‌های جنسیتی حاکم بر جوامع و اهمیت بیش‌تر زیبایی و متعلقات آن برای زنان، به نظر می‌رسد دغدغهٔ این قشر بیش‌تر از مردان است (جمشیدی و آتشی پور، ۱۴۰۴: ۵۷). در ایران نیز در چند دههٔ اخیر، تناسب اندام در حکم معیار زیبایی اندام توجه دختران و زنان را به خود جلب کرده است و اقدام برای رعایت

1 - Fioravanti et al.
2 - Capocciaa et al.
3 - Hewitt & Murray
4 - Fioravanti et al.
5 - Abdoli et al.

رژیم غذایی لاغری برای دست یابی به تناسب اندام به دغدغهٔ برخی از دختران و زنان ایرانی تبدیل شده است (مونسی سرخه، ۱۴۰۴: ۶۰). این دغدغه و توجه وافر آنان را وادار می‌کند به منظور تطبیق ویژگی‌های بدن با الگوهای فرهنگی زیبایی چهره و اندام، که در رسانه‌های جمعی و عوامل تبلیغاتی صنعت زیبایی تبلیغ می‌شود، رفتارهایی گاه افراطی اتخاذ کنند که تبعات سوئی را به بار می‌آورد (علیزاده اقدم و همکاران، ۱۴۰۴: ۸). بدن عرصه‌ای برای بازآفرینی فرهنگی و اجتماعی است و روشنگر روابط قدرت و نحوه تاثیرگذاری آن بر تفاوت‌ها و نابرابری‌های اجتماعی است، بنابراین مدیریت بدن باید به عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی مهم مورد بررسی و عوامل مهم تأثیرگذار بر آن از جمله عوامل اجتماعی و فرهنگی افراد مورد توجه قرار بگیرد (اکبرزاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۵۹۳). بنابراین بر اساس اهمیت این مسئله در جهان کنونی و با توجه به ارتباط بدن با زمینهٔ اجتماعی و فرهنگی جامعهٔ بررسی شده، این پرسش مطرح می‌شود که عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران کدامند؟

مبانی نظری تحقیق

رویکردهای مرتبط با بدن

رابطه بدن و جامعه، از انسان شناسی و مباحث مارل موس[1] آغاز شد. موس در مقاله تکنیک های بدن (۱۹۳۴) پیوند میان تکنیک‌های بدن و نظام‌های اجتماعی را نشان داده و با استفاده از مفهوم عادت‌واره مختص بودن فعالیت‌های بدنی و جسمانی را به یک فرهنگ و جامعه خاص نشان می‌دهد و آن را دستاوردهای تاریخی می‌داند که به واسطه آن مردمان یک فرهنگ و جامعه می‌آموزند که چگونه از بدن‌هایشان استفاده کنند. به نظر او «چنین استفاده‌هایی فنی، سنتی و کارآمد هستند. آنها به وسیله مجموعه خاصی از حرکات و فرم‌ها شکل می گیرند و به وسیله ابزارهای تعلیم و آموزش به دست می آیند و هدف یا وظیفه معینی را انجام می‌دهند. به اعتقاد «موس» تکنیک های بدنی، تکنیک هایی قابل انتقال و آموختنی از طریق پروسه ی اجتماعی یادگیری اند. هر نوع عملی، نقش یادگیری را نشان می‌دهد. این تکنیک ها در صورتی شکل میگیرند که دو عنصر وجود داشته باشد: «نخست، تکنیک باید اثرگذار و از همینرو بوجود آورنده نتیجه مطلوب باشد و دوم، در متن سنتی باشد که انتقال آنرا ممکن کند (پرینس و همکاران[2]، ۲۰۲۵: ۷۷). داگلاس[3] یکی از صاحبنظران حوزه‌ی انسان‌شناسی بدن را به مثابه یک متن فرهنگی در نظر می گیرد که ارزش های فرهنگی، اشتغالات و اضطرابات یک فرهنگ خاص را منعکس می‌سازد و تجلی عینی بدان می‌بخشد و از طریق آن می‌توان یک نظام را شناخت. بدن مملو از نمادها و استعاره هاست و در آن می‌توان مطابقتی میان استقرار محدودیت های جسمانی در یک

1- M. Mauss
2 - Prince et al.
3- Douglas

طرف و نظم اجتماعی در طرف دیگر مشاهده نمود. او بدن انسان را ابزار تفکر درخصوص روابط استعاره‌ای دانسته و معتقد است که بدن انسانی، منبع مهمی‌از استعاره ها درباره سازمان یافتگی و سازمان نیافتگی جامعه است. بنابراین بدن‌های سازمان نیافته، سازمان نیافتگی جامعه را نشان می‌دهد (ملکی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۵۱). محور نگاه انسان‌شناسی[1] داگلاس پرسش از بدن به‌مثابه‌ی نظام طبقه‌بندی می‌باشد. داگلاس بیش از هرکسی توانسته‌است ویژگی های نمادین بدن را آشکار سازد. بدن اجتماعی، شیوه‌هایی که در آن بدن درک می‌شود و تجربه‌ی فیزیکی بدن را مشخص می‌کند؛ که خود این تجارب از طریق طبقه‌بندی‌های اجتماعی تعیین و اصلاح می‌شوند. نوعی مبادله‌ی مداوم معانی بین این دو نوع از تجربه‌ی بدنی وجود دارد (شریف نیا و همکاران، ۲۰۲۴: ۱۰۰). داگلاس در اثر کلاسیک خود با عنوان خطر و خلوص به شرح شیوه‌هایی می‌پردازد که بر اساس آن بدن همچون نمادی از جامعه عمل می‌کند و اینچنین استدلال می‌کند که بدن مدلی است که می‌تواند بیانگر هرگونه نظام اجتماعی مشخص باشد. وی نوعی مبادله‌ی پیاپی در معانی بین بدن جسمانی و اجتماعی تشخیص می‌دهد و معتقد است که هریک، دیگری را تقویت می‌کند. گاهی این دو بدن آنچنان به‌هم نزدیک می‌شوند که تقریباً یکی می‌شوند و گاهی نیز بسیار فاصله دارند (شی[2]، ۲۰۲۵:۶۰). توجه به مقوله «بدن» همزمان با توجه به مفهوم «خود» در جامعه شناسی نیز وجود دارد. این نظریه‌ها را می توان در چند دسته جای داد که از جمله آنها می توان به نظریات کنش متقابل نمادین، نظریات مدرنیست‌ها، نظریه‌های ساختارگرایانه و نظریه‌های پساساختارگرایانه اشاره کرد. اروینگ گافمن[3] با ارائه نظریه نمایشی[4]، از استعاره‌های تئاتری برای توصیف نمایش افراد یاری می گیرد. او زندگی اجتماعی را مجموعه‌ای از نقش های نمایشی مانند اجرای نقش در صحنه تئاتر می داند (محمدی و حیدری، ۱۴۰۳: ۹۱). به اعتقاد گافمن، از آنجایی که در رویارویی ها؛ تأثیرگذاری های اولیه مهم هستند ظاهر، که برای خود شخص و برای دیگران قابل رویت و نمایش است و به عنوان کانون توجه در برخوردهای اجتماعی قلمداد می شود، می تواند به عنوان نشانه ای برای تفسیر کنش به کار گرفته شود به نظر او «خود در رویارویی هایی عمومی نامعلوم است و مشارکت کنندگان باید از آن مراقبت نمایند و جنبه ای از خود که مطلوب و مقبول دیگران باشد را به نمایش بگذارند. از این رو مراقب هستند تا ویژگی‌ها و صلاحیت های خود را نشان دهند و مدیریت می‌نمایند تا حرکات و اعمال بدن خود را به طور دقیق و به دور از هر گونه اختلال و کاستی انجام دهند و از این روست که به زعم گافمن تکنیک‌های بدن نقش مهمی را در اینجا ایفا می‌نماید. از نظر گافمن بدن واسطه مردم در گذر زندگی روزمره است. این میانجی گری شامل راه‌هایی است که مردم از طریق آن چگونگی نمایاندن به دیگران را مورد بحث قرار می دهند. برای مثال، گافمن از راه های برقراری ارتباط از طریق بدن، یعنی حالت‌های چهره، نوع لباس پوشیدن و طرز ایستادن بحث می‌کند (کریستینا و همکاران ، ۲۰۲۴: ۱۳۷).

1- Anthropology
2 - Shi
3-E. Goffman
4 -Dramatyrigical theory

پیشینه تحقیق

- حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۴) تحقیقی تحت عنوان بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی موثر بر تصویر بدن با تاکید بر سبک زندگی در بین دختران و زنان جوان انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد بین متغیرهای مصرف فرهنگی، سرمایه فرهنگی، مدیریت بدن، گرایش مذهبی، فعالیت های فراغتی، تحصیلات، سن و تصویر بدن رابطه معنادار وجود دارد. نتایج رگرسیون هم حاکی از آن است که برحسب ارزش بتا به ترتیب: مدیریت بدن، گرایش مذهبی، مصرف فرهنگی، سرمایه فرهنگی، تحصیلات و سن، بیشترین تاثیر را در تبیین تصویر بدن داشته اند.

- احمدی و همکاران (۱۳۹۵) تحقیقی تحت عنوان تبیین جامعه شناختی مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی و فرهنگی در میان دختران و زنان شهر تبریز انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد میان متغیرهای پذیرش اجتماعی، احساس فشارهای اجتماعی، سرمایه فرهنگی، وضعیت شغلی و تأهل، طبقه اجتماعی و استفاده از رسانه‌های جمعی خارجی با مدیریت بدن رابطه مستقیم و میان متغیرهای دین‌داری و استفاده از رسانه های جمعی داخلی با مدیریت بدن رابطه معکوس برقرار است. متغیرهای ذکرشده در مجموع ۴۱ درصد از تغییرات مدیریت بدن را تبیین کرده اند.

- اکبرزاده و همکاران (۱۴۰۳) تحقیقی تحت عنوان مطالعه پدیدارشناختی زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن بانوان جوان در آستانه ازدواج انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که ۶ مضمون اصلی و ۴۴ مضمون فرعی وجود دارد. با توجه به نتایج تحقیق حاضر عوامل اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن بانوان جوان در آستانه ازدواج در ۶ بخش سبک زندگی، مدگرایی، مقبولیت اجتماعی، شغل، نقش‌ها و طبقه اجتماعی و تحصیلات قابل دسته‌بندی هستند.

- علیزاده اقدم و همکاران (۱۴۰۳) تحقیقی تحت عنوان گونه‌شناسی سبک مصرفی و مدیریت بدن زنان (مورد مطالعه زنان شهر تبریز) انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که میانگین مدیریت بدن بر حسب متغیرهای وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، متوسط درآمد خانواده و وضعیت اجتماعی- اقتصادی پاسخ‌گویان تفاوت معنی‌داری با هم دارند. همچنین، رابطه مدیریت بدن با سن و سبک مصرفی کارکردی منفی و معنی‌دار، و با سبک مصرفی زاهدانه، منزلت‌گرایانه و لذت‌جویانه مثبت و معنی‌دار بود. نتایج برآورد مدل رگرسیونی نشانگر آن است از میان گونه‌های سبک مصرفی، سه گونه منزلت‌گرایانه، زاهدانه و لذت‌جویانه در مجموع حدود ۵۶ درصد از واریانس مدیریت بدن را تبیین می کنند.

- شارپ[1] (۲۰۱۴) طی تحقیقی نشان دادند رسانه ها و دوستان تأثیر زیادی بر جراحی های زیبایی بدن دارند.

- روزاریا و جولی[2] (۲۰۲۰) طی تحقیقی نشان دادند پذیرش اجتماعی دریافت تأیید دیگران عامل تحریک کننده و پرداختن به بدن و مدیریت بدن است.

1 - Sharp et al.
2 - Rosaria &. Juli

- فیوراونتی و همکاران (۲۰۲۳) تحقیقی تحت عنوان شرم از بدن و استفاده آسیب‌زا از شبکه‌های اجتماعی: نقش میانجی سبک ارائه خودِ کمال‌گرایانه و کنترل تصویر بدن در عکس‌ها انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد اثر میانجی‌گری زنجیره‌ایِ فرضیِ «سبک ارائه کمال‌گرایانه خود» و «کنترل تصویر بدن در عکس‌ها» در رابطه میان «شرم از بدن» و «استفاده آسیب‌زا از شبکه‌های اجتماعی» در رابطه با زنان و مردان معنادار بود.

- هیویت و موری (۲۰۲۴) تحقیقی تحت عنوان سواد سلامت روان در زمینه تصویر بدنی منفی در زنان: بررسی دغدغه‌های زیبایی‌شناختی و کارکردی و نقش خود شیءانگاری انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که میزان تشخیص مشکلات تصویر بدنی که در قالب سناریوهای متنی داستانی ارائه شده بودند محدود بود. افزون بر این، میزان تشخیص و همچنین امتیازهای مربوط به شیوع ادراک‌شده، پریشانی، همدلی، واکنش‌های عاطفی، و توصیه‌ها و قصدِ دریافت کمک، در مورد نگرانی‌های زیبایی‌شناختی به‌طور معناداری بیشتر از نگرانی‌های کارکردی بود. خود-شیءانگاری با توصیه‌های دریافت کمک برای نگرانی‌های زیبایی‌شناختی (و نه کارکردی) همبستگی منفی معناداری نشان داد، اما با قصد دریافت کمک ارتباطی نداشت. یافته‌ها حاکی از آن است که سواد سلامت روانِ زنان در زمینه تصویر بدنی منفی به‌ویژه در ارتباط با کارکرد بدن در سطح پایینی قرار دارد. برای تسهیل روند دریافت کمک و کاهش تأثیر نگرانی‌های تصویر بدنی در زنان، انجام پژوهش‌های بیشتر ضروری است.

- فیلیپوو و همکاران (۲۰۲۵) تحقیقی تحت عنوان عوامل اجتماعی- فرهنگی بازدارنده در اطلاع‌رسانی عمومی پیرامون تصویر بدنی مثبت در قزاقستان انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد رسانه‌های اجتماعی، تأثیر خانواده و صنعت مد، موانع اصلی در مسیر ترویج تصویر بدنی مثبت در قزاقستان هستند. اگرچه در شهرهای آلماتی و آستانه پیشرفت‌هایی در زمینه پذیرش تصویر بدنی مثبت حاصل شده است، اما هنجارهای فرهنگی ریشه‌دار همچنان تأثیر بسزایی بر نگرش‌ها و برداشت‌ها دارند. زنان جوان قزاقستانی در صورتی که بدنشان با الگوی ایده‌آلِ «لاغری» مطابقت نداشته باشد، اغلب با قضاوت‌های منفی مواجه می‌شوند.

روش شناسی تحقیق

هدف از تحقیق حاضر توسعه دانش کاربردی در یک زمینه دانش خاص است و به قصد کاربرد نتایج یافته‌ها برای حل مشکلات خاص درون سازمان انجام می‌شود، بنابراین تحقیق حاضر از لحاظ هدف، تحقیق کاربردی و از نظر روش، تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است که به شیوه تحقیقات میدانی به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته می‌شود.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر مقطع کارشناسی دانشگاه مازندران می باشدکه تعداد آنها ۱۰۹۶ نفر می باشد و از این تعداد ۲۸۵ بر اساس روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و طبق فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند.

$$n=\frac{\frac{Z^2_{1-\frac{a}{2}}\times p\times q}{d^2}}{1+\left[\frac{1}{N}\left(\frac{Z^2_{1-\frac{a}{2}}\times p\times q}{d^2}-1\right)\right]}\Rightarrow n=\frac{(1/96)^2\times\frac{(0/5\times 0/5)}{(0/05)^2}}{1+\frac{1}{1096}(1/96)^2\times\frac{(0/5\times 0/5)}{(0/05)^2}-1}$$

$$\cong 285$$

در این تحقیق به منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از پرسشنامه ۷۳ سوالی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مدیریت بدن (محقق ساخته) استفاده شده است.که روایی و پایایی آن به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۸۹ سنجیده شد.

جدول(۱): ضرایب آلفای کرونباخ نهایی مقیاس ها

ردیف	ابعاد	آلفای کرونباخ
۱	تأیید اجتماعی	۰/۸۸
۲	تأیید دیگران	۰/۸۹
۳	تاثیر رسانه‌ها	۰/۸۹
۴	تظاهرات رفتاری	۰/۹۰
۵	عوامل فرهنگی عینیت یافته	۰/۸۶
۶	معلومات درونی شده	۰/۸۸
۷	آرایش صورت	۰/۸۷
۸	جراحی زیبایی	۰/۸۹
کل پرسشنامه		۰/۸۹

یافته‌های تحقیق

یکی از پیش فرض های اصلی معادلات ساختاری بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد بررسی است. در این پژوهش از تکنیک کولموگوروف-اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن توزیع داده ها استفاده شده است.

جدول(۲): آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها

متغیر	مقدار K.S	وضعیت
تایید اجتماعی	۰.۰۶۷	نرمال
تایید دیگران	۰.۰۵۰	نرمال
تاثیر رسانه‌ها	۰.۰۷۱	نرمال
تظاهرات رفتاری	۰.۰۷۱	نرمال
عوامل فرهنگی عینیت یافته	۰.۰۷۸	نرمال
معلومات درونی شده	۰.۱۱۲	نرمال

همان‌طور که در جدول(۲) نمایش داده شده است در تمامی موارد مقدار معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ بدست آمده است. بنابراین دلیلی برای رد فرض صفر مبتنی بر نرمال بودن داده‌ها وجود ندارد.

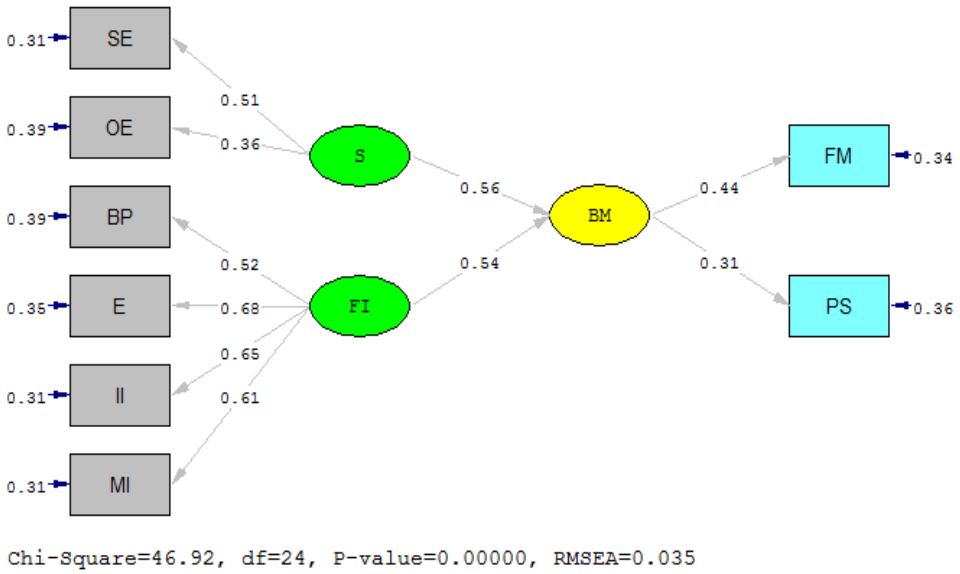
در این مطالعه برای سنجش تاثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر مدیریت بدن از ۶ بعد (متغیر پنهان) و ۷۳ گویه (متغیر آشکار) استفاده شده است.

نماد استفاده شده در مدل های این تحقیق در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول(۳): نمادهای تحقیق

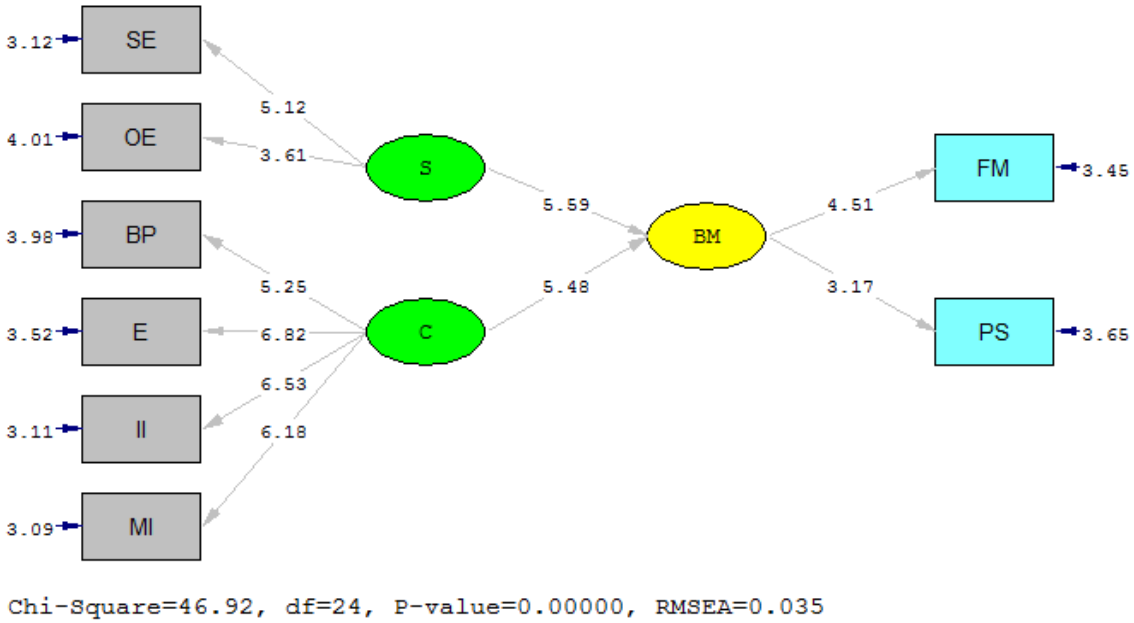
سازه و متغیر	نماد
تأیید اجتماعی	SE
تأیید دیگران	OE
تاثیر رسانه‌ها	MI
تظاهرات رفتاری	BP
عوامل فرهنگی عینیت یافته	E
معلومات درونی شده	II
عوامل اجتماعی	S
عوامل فرهنگی	FI
مدیریت بدن	BM

تحلیل فرضیات اصلی تحقیق با استفاده از مدل معادلات ساختاری صورت گرفته است. مدل نهایی برای بررسی فرضیه اصلی تحقیق در نمودار شماره (۱) ارائه شده است. این مدل با اقتباس از برونداد نرم افزار لیزرل ترسیم شده است.



شکل (۱): نتایج تائید مدل نهایی ارتباط بین متغیرهای تحقیق بر اساس فرضیه اصلی

نتایج حاصل از سنجش معناداری داده‌های مدل نیز در نمودار شماره (۲) ارائه شده است.



شکل (۲):آماره t-value نتایج تائید مدل نهایی ارتباط بین متغیرهای تحقیق بر اساس فرضیه اصلی

جهت برازش مدل ساختاری مدل اصلی تحقیق از شاخص‌های نیکوئی برازش استفاده شده است. از آنجا که شاخص ریشه میانگین مجذورات تقریب (RMSEA)[1] برابر ۰/۰۳۵ مدل از برازندگی خوبی برخوردار است.

جدول(٤): شاخص‌های نیکوئی برازش مدل ساختاری فرضیات اصلی تحقیق

شاخص برازندگی	RMSEA	GFI	AGFI	NFI	NNFI	IFI
مقادیر قابل قبول	<0.1	>0.9	>0.9	>0.9	>0.9	0 - 1
مقادیر محاسبه شده	۰.۰۴۷	۰.۹۳	۰.۹۸	۰.۹۴	۰.۹۷	۰.۹۸

فرضایت اصلی تحقیق

- بین عوامل اجتماعی و مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی داری وجود دارد.

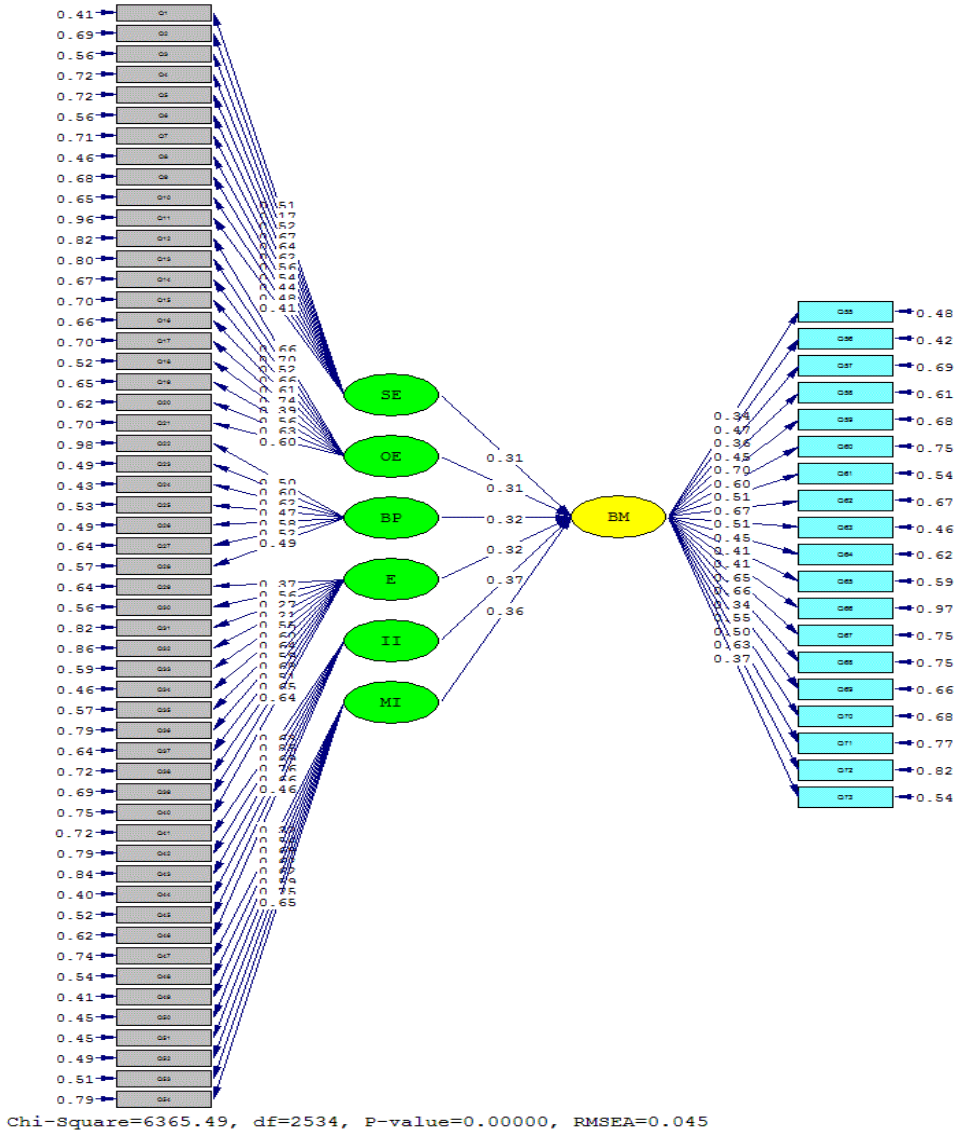
بر اساس نمودارهای (۱) و (۲) قدرت رابطه میان عوامل اجتماعی و مدیریت بدن برابر ۰/۵۶ محاسبه شده است که نشان می‌دهد همبستگی مطلوب است. آماره t آزمون نیز ۵/۵۹ بدست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است. بنابراین فرضیه اصلی تحقیق تایید می گردد و می‌توان گفت عوامل اجتماعی بر مدیریت بدن تاثیر مثبت دارد.

1. (Root Mean Square Error of Approximation) RMSEA

- بین عوامل فرهنگی و مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی داری وجود دارد.

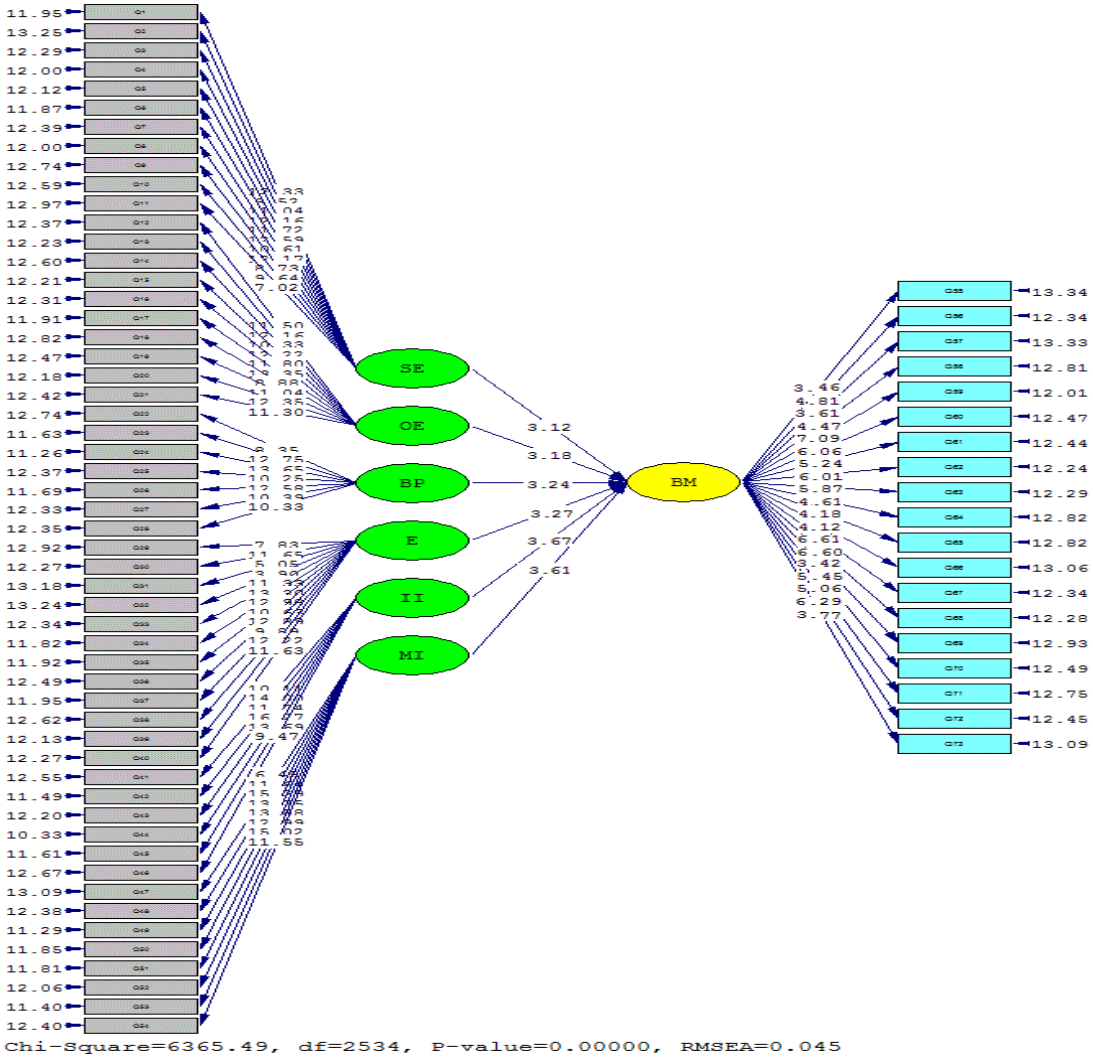
بر اساس نمودارهای (۱) و (۲) قدرت رابطه میان عوامل فرهنگی و مدیریت بدن برابر ۰/۵۴ محاسبه شده است که نشان می‌دهد همبستگی مطلوب است. آماره t آزمون نیز ۵/۴۸ بدست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است. بنابراین فرضیه دوم اصلی تحقیق تایید می گردد و می‌توان گفت عوامل فرهنگی بر مدیریت بدن تاثیر مثبت دارد.

مدل نهایی برای بررسی فرضیات فرعی تحقیق در نمودار شماره (۳) ارائه شده است. این مدل با اقتباس از برونداد نرم افزار لیزرل ترسیم شده است.



شکل (۳): نتایج تائید مدل نهایی ارتباط بین متغیرهای تحقیق بر اساس فرضیات فرعی

نتایج حاصل از سنجش معناداری داده‌های مدل نیز در نمودار شماره (۴) ارائه شده است.



شکل(٤): آماره t-value نتایج تائید مدل نهایی ارتباط بین متغیرهای تحقیق بر اساس فرضیات فرعی

نیکویی برازش مدل

جهت برازش مدل ساختاری مدل اصلی تحقیق نیز از تعدادی از شاخص‌های نیکوئی برازش استفاده شده است.

از آنجا که شاخص ریشه میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) برابر ۰/۰۴۵ مدل از برازندگی خوبی برخوردار است.

همچنین سایر شاخص‌های نیکوئی برازش نیز در بازه مورد قبول قرار گرفته‌اند که در جدول شماره زیر آمده است.

جدول (۵): شاخص‌های نیکوئی برازش مدل ساختاری مدل تحقیق

شاخص برازندگی	RMSEA	GFI	AGFI	NFI	NNFI	IFI
مقادیر قابل قبول	<0.1	>0.9	>0.9	>0.9	>0.9	0 - 1
مقادیر محاسبه شده	۰.۰۴۵	۰.۹۵	۰.۹۲	۰.۹۱	۰.۹۷	۰.۹۷

- بین تایید اجتماعی و مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی داری وجود دارد.

بر اساس نمودارهای (۳) و (۴) قدرت رابطه میان تایید اجتماعی و مدیریت بدن برابر ۰/۳۱ محاسبه شده است که نشان می‌دهد همبستگی مطلوب است. آماره t آزمون نیز ۳/۱۲ بدست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است. بنابراین فرضیه فرعی اول تحقیق تایید می گردد و می‌توان گفت تایید اجتماعی بر مدیریت بدن تاثیر مثبت دارد.

- بین تایید دیگران و مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی داری وجود دارد.

بر اساس نمودارهای (۳) و (۴) قدرت رابطه میان تایید دیگران مهم و مدیریت بدن برابر ۰/۳۱ محاسبه شده است که نشان می‌دهد همبستگی مطلوب است. آماره t آزمون نیز ۳/۱۸ بدست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است. بنابراین فرضیه فرعی دوم تحقیق تایید می گردد و می‌توان گفت تایید دیگران مهم بر مدیریت بدن تاثیر مثبت دارد.

- بین تاثیر رسانه‌ها و مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی داری وجود دارد.

بر اساس نمودارهای (۳) و (۴) قدرت رابطه میان تاثیر رسانه‌ها و مدیریت بدن برابر ۰/۳۶ محاسبه شده است که نشان می‌دهد همبستگی مطلوب است. آماره t آزمون نیز ۳/۶۱ بدست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است. بنابراین فرضیه فرعی سوم تحقیق تایید می گردد و می‌توان گفت تاثیر رسانه ها بر مدیریت بدن تاثیر مثبت دارد.

- بین بعد تظاهرات رفتاری و مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی داری وجود دارد.

بر اساس نمودارهای (۳) و (۴) قدرت رابطه میان تظاهرات رفتاری و مدیریت بدن برابر ۰/۳۲ محاسبه شده است که نشان می‌دهد همبستگی مطلوب است. آماره t آزمون نیز ۳/۲۴ بدست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است. بنابراین فرضیه فرعی چهارم تحقیق تایید می گردد و می‌توان گفت تظاهرات رفتاری بر مدیریت بدن تاثیر مثبت دارد.

- بین بعد عوامل فرهنگی عینیت یافته و مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی داری وجود دارد.

بر اساس نمودارهای (۳) و (۴) قدرت رابطه میان عوامل فرهنگی عینیت یافته و مدیریت بدن برابر ۰/۳۲ محاسبه شده است که نشان می‌دهد همبستگی مطلوب است. آماره t آزمون نیز ۳/۲۷ بدست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی t در

سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است. بنابراین فرضیه فرعی پنجم تحقیق تایید می‌گردد و می‌توان گفت عوامل فرهنگی عینیت یافته بر مدیریت بدن تاثیر مثبت دارد.

- بین بعد معلومات درونی شده و مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی داری وجود دارد.

بر اساس نمودارهای (۳) و (۴) قدرت رابطه میان معلومات درونی شده و مدیریت بدن برابر ۰/۳۷ محاسبه شده است که نشان می‌دهد همبستگی مطلوب است. آماره t آزمون نیز ۳/۶۷ بدست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است. بنابراین فرضیه فرعی ششم تحقیق تایید می‌گردد و می‌توان گفت معلومات درونی شده بر مدیریت بدن تاثیر مثبت دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نگاه بر بدن به عنوان هویت سنتی متناوب از چیزی که امروزه می شناسیم بوده تا همین سال‌های پیش از انقلاب در ایران فربگی نشانه دار بودن یا ثروتمند بودن بوده است. زیبایی شناسی بدن آنقدر متفاوت بود که می توان گفت بدن زیبا در دوره سابق با آنچه هم اکنون با عنوان زیبا می‌شناسیم بسیار متفاوت بوده است. امروزه بدن های ما خواه ناخواه تأثیر بسیاری در روابط اجتماعی ما دارند. حتی برای این که برگه استخدامی یک شرکت تجاری یا خدماتی را با موفقیت پر کنید باید شرایط فیزیکی مطلوبی داشته باشید. مفهوم جامعه شناسی بدن برای اولی نبار توسط ترنر به کار گرفته شد و درکتاب بدن و جامعه به طور مستقل به جامعه شناسی بدن پرداخت. او در این کتاب می گوید جامعه شناسی در گذشته ذهن و بدن را جدا ازهم می‌دانست این مسأله که با سنت دکارتی رابطه داشت. یعنی همان که می‌گفت من فکر می‌کنم، پس هستم سبب شده بود که بدن را متعلق به حوزه طبیعی بدانند و ذهن را متعلق به حوزه انسانی به نظر می رسد که در دوره جدید با تحولات جهانی شدن بیش از حد به مسأله بدن توجه شده است. که می توان به پاره‌ای عوامل اشاره کرد: نخست، پیشرفت های تکنولوژی بر بدن دوم، تلاش زنان به کنترل بر بدن سوم، مالکیت بدن ها چهارم، وضع بدن در جامعه ی مصرفی یعنی یک علاقه ی تجاری و نمایشی و آرایشی به بدن که مناسب و اندازه و لاغر و جوان نگه داشته شود وجود دارد. به این ترتیب بدن وارد بحث های جامعه شناسانه شد. هر روزه دختران و پسران بسیاری هستندکه با بهره‌مندی از خدمات پزشکی و آرایشگری درصدد هستند که بیشتر و بیشتر به الگوی زیبایی مد روز نزدیکتر شوند و با پیوستن به صف زیبارویان از احساس قدرت و رضایتمندی بیشتری برخوردار شوند اما مسأله این است که آیا این روح زیباخواهی جزئی از موجودیت افراد است یا این که نه علاوه بر آن یکسری عوامل اجتماعی نیز دخیل هستند.

نتایج فرضیه اصلی۱ تحقیق: بین عوامل اجتماعی و مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۴)، احمدی و همکاران (۱۳۹۵)، اکبرزاده و همکاران (۱۴۰۳)، شارپ (۲۰۱۴)، روزاریا و جولی (۲۰۲۰) همخوان و همسو می باشد. در این رابطه

می‌توان بیان داشت وضع بدن در جامعه مصرفی متضمن نوعی علاقه تجاری، نمایشی و آرایشی به آن است. در این جامعه، وضع بدن باید متناسب، لاغر و جوان نگاه داشته شود. در جامعه ما، فراگیرشدن پدیده آرایش دختران و زنان در عرصه زیست اجتماعی و استفاده از لباس‌هایی که در آن‌ها سه خصوصیت چسبان، کوتاه و بدن نما بودن به وضوح قابل مشاهده است با آموزه‌های دینی و بافت اجتماعی، هنجاری، عرفی و قانونی جامعه که هر نوع کامجویی زن و مرد از یکدیگر را در چارچوب تشکیل خانواده تعریف می‌کند در تعارض آشکار است.

نتایج فرضیه اصلی۲ تحقیق: بین عوامل فرهنگی و مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های علیزاده اقدم و همکاران (۱۴۰۳)، حاجی زاده میمندی دیوبند (۱۴۰۴)، فیوراونتی و همکاران (۲۰۲۳)، هیویت و موری (۲۰۲۴)، فیلیپوو و همکاران (۲۰۲۵) همخوان و همسو می باشد. در این رابطه می‌توان بیان داشت مدیریت بدن در جامعه‌شناسی امروز به دخل و تصرف آدمی در بدن و ظاهر خویش ارجاع دارد که عموماً به‌منظور نزدیک کردن شکل ظاهری، به ایدئال تعریف‌شده از سوی رسانه‌های جمعی صورت می‌پذیرد. برجسته شدن این پدیده در دوران معاصر معلول عوامل مختلفی است. یکی از مسائل مطرح‌شده در حوزۀ جامعه‌شناسی بدن، که امروزه در میان دختران و زنان رواج فراوانی یافته، مدیریت بدن است که در آن افراد با تغییر ویژگی‌های ظاهری بدن، خود را با دیگران مقایسه می‌کنند.از اینرو می توان گفت مدیریت بدن از جمله موضوعاتی است که در سال‌های اخیر به عنوان یک امر لازم در جامعه و در بین جوانان و بالاخص دختران و زنان تبدیل شده است.

نتایج فرضیه فرعی۱ تحقیق: بین تأیید اجتماعی و مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی‌داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های اکبرزاده و همکاران (۱۴۰۳)، محمدی و حیدری (۱۴۰۳)، جمشیدی و آتشی پور (۱۴۰۴)، رمضانی و همکاران (۱۴۰۴)، شریف‌نیا و همکاران (۲۰۲۴)، پرینس و همکاران (۲۰۲۵) همخوان و همسو می باشد. در این رابطه می‌توان بیان داشت به‌طورکلی، تحولات و تغییرات دانش پزشکی و فناوری‌های مرتبط با آن، در اهمیت یافتن بدن و رشد جامعه‌شناسی بدن به نحو وثیقی تأثیرگذار بوده است. درحالی‌که مهم‌ترین مؤلفه در طب قدیم، نگاه‌داشتن بدن و اندام‌های بیرونی آن در وضعیتی طبیعی بوده است، در پزشکی نوین، این وضعیت طبیعی افراد نیست که وضعیتی بهنجار معرفی می‌شود، بلکه این هنجارهای رایج اجتماعی است که وضعیت طبیعی برای بدن و اندام‌های بدنی را تعریف می‌کند. درنتیجه، افراد می‌کوشند تا با اقدام‌های متفاوت، از رژیم‌ها و داروهای لاغری و چاقی گرفته تا اعمال جراحی زیبایی، خود را مطابق هنجارهای رایج زیبایی در هر دوره زمانی، بازسازی کنند و فناوری‌های پزشکی نیز امروزه امکانات لازم برای تحقق این ایده را در اختیارشان قرار می‌دهد.

نتایج فرضیه فرعی۲ تحقیق: بین تأیید دیگران و مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی‌داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های ملکی و همکاران (۱۴۰۳)، مولایی و همکاران

(۱۴۰۳)، هاشمی خواه و زیبایی نژاد (۱۴۰۳)، تیلکا[1] (۲۰۱۹)، تورت نصر و همکاران[2] (۲۰۲۳) همخوان و همسو می باشد. بر این اساس می‌توان گفت تحولات به وجود آمده در دانش پزشکی، امکانی را در اختیار افراد گذاشت تا بتوانند بر اساس میل و سلیقه خود دست به ایجاد تغییرات مختلف بدنی زده و در شکل ظاهری و یا حتی کارکرد جنسیتی خود دخل و تصرف کنند. به‌عبارت‌دیگر، بدن و خود، در سایه پیشرفت و تحول علوم پزشکی، تحت نفوذ مرجعیت درونی قرار گرفت و امکان هرگونه تغییری در آن بر مبنای خواست فرد، میسر شد. تغییر جنسیت، تلقیح مصنوعی، باروری آزمایشگاهی، رحم‌های اجاره‌ای، شبیه‌سازی، انواع پیوند اعضا و اعمال جراحی زیبایی که به کمک تحولات دانش و فناوری‌های پزشکی امکان‌پذیر شد، همگی بر تصور فرد از کیستی‌اش و زیربناهای هویتی وی تأثیرگذار گردید. بدین ترتیب بازگشت به بدن به‌عنوان یک قلمرو خصوصی و اختیاری، سرآغاز جستجوی تازه‌ای برای هویت‌یابی قرار گرفت

نتایج فرضیه فرعی۳ تحقیق: بین تأثیر رسانه‌ها و مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی‌داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های دارا و صادقی (۱۴۰۳)، سدیدپور (۱۴۰۳)، جعفری (۱۴۰۲)، شین و لی[3] (۲۰۲۳)، پان و همکاران[4] (۲۰۲۴) همخوان و همسو می باشد. امروزه رسانه به معنای هر وسیله‌ای است که انتقال‌دهنده فرهنگ‌ها و افکار باشد. آنچه مصداق این تعریف است وسایلی چون تلویزیون، رادیو، سینما، تئاتر، مطبوعات، کتاب، موسیقی، ماهواره، اینترنت، سی‌دی‌ها و نوارهای ویدئویی است. در دوران جدید رسانه‌های جمعی، انتقال و هدایت گسترده‌ای از نمادها، هنجارها، ارزش‌ها، عقاید، پیام‌ها و افکار درون جامعه را بر عهده گرفته‌اند، تا جایی که برخی از صاحب‌نظران معتقدند رسانه‌های جمعی کل زندگی فرهنگی و اجتماعی را دگرگون می‌کنند. وقتی تمام اقشار جامعه بدون در نظر گرفتن سطح سواد و معلومات، مخاطب یک رسانه قرار گیرند، این رسانه می‌تواند لقب جمعی را از آن خود کند. تنوع و گستردگی دامنه تأثیر رسانه‌های جمعی به حدی در جوامع کنونی زیاد است که اندیشمندان، آن‌ها را به‌عنوان ابزار کنترل ذهن انسان می‌شناسند. در میان وسایل ارتباط‌جمعی که به‌سرعت انتشار، مداومتِ انتشار، وسعت جهانی حوزه انتشار و تنوع محتوایی شناخته شده‌اند، تلویزیون است که تکنیک‌های رادیو و سینما و روزنامه را در خود جمع کرده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که حضور این رسانه به طرز وسیعی در جوامع مختلف به‌چشم می‌خورد. در این میان، آنچه اهمیت تلویزیون را در کنار عوامل دیگر به نحو چشمگیری افزایش می‌دهد، ماهیت محتوایی تلویزیون است. قابلیت‌های تکنولوژیک تلویزیون چنان است که این رسانه می‌تواند در مقایسه با سایر رسانه‌ها، محتوایی نزدیک‌تر به زندگی واقعی ارائه کند

نتایج فرضیه فرعی٤ تحقیق: بین تظاهرات رفتاری و مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی‌داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های مهری (۱۴۰۲)، قاسمی و ابراهیمی (۱۴۰۲)، اکبرزاده

1 - Tylka
2 - Tort-Nasarre et al.
3 - Shin & Lee
4- Pan et al.

و همکاران (۱۴۰۲)، دیک و همکاران[1] (۲۰۲۳)، هیویت و موری (۲۰۲۴) همخوان و همسو می باشد. از نظر اندیشمندان متعددی، هویت در جامعه جدید دست‌خوش تغییرات فراوانی شده که ناشی از اختیار عمل افراد در دنیای مدرن و داشتن انتخاب‌های گوناگون در تعیین سبک زندگی و موقعیت وجودی و ذهنی فرد است. اما ازآنجایی‌که مختصات بدنی نیز نقش مؤثری در هویت افراد و تعریف آنان از خویشتن خویش دارد، درنتیجه، هرگونه تغییر و دگرگونی در ویژگی‌های فیزیکی و جسمی، مستقیماً بر فرآیند هویت‌یابی افراد مؤثر خواهد بود. به‌عبارت‌دیگر، در راستای شکل‌گیری این نوع هویت بازاندیشانه که به‌طور روزمره در حال تغییر است، بدن نیز نقش مهمی را ایفا می‌کند. چنان‌که گیدنز اشاره می‌کند بازتابندگیِ خود تا محدوده بدن نیز امتداد می‌یابد. بدن، جزئی از یک نظام کنشی است و نه صرفاً یک شیء منفعل. نظارت بر فرآیندهای جسمانی جزء ذاتیِ توجه بازتابی مداوم است که فاعل باید نسبت به رفتار خویش نشان دهد

نتایج فرضیه فرعی۵ تحقیق: بین عوامل فرهنگی عینیت یافته و مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی‌داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های جمشیدی و آتشی پور (۱۴۰۴)، رمضانی و همکاران (۱۴۰۴)، شریف‌نیا و همکاران (۲۰۲۴)، فیلیپوو و همکاران (۲۰۲۵)، پرینس و همکاران (۲۰۲۵) همخوان و همسو می باشد. در تایید این روابط می‌توان بیان داشت یکی از راه‌های ساخت هویت و بازاندیشی در آن، کنترل منظم بدن است که شخص به‌وسیله آن روایت معینی از هویت خویش را محفوظ می‌دارد و درعین‌حال، خود نیز به طرز کم‌وبیش ثابتی از ورای همین روایت در معرض تماشای دیگران قرار می‌گیرد. فرد در کنترل و مدیریت بدن خویش، تغییراتی خودخواسته و بازاندیشانه ایجاد می‌کند که با توجه به رایج نبودن آن در جوامع سنتی، می‌باید آن را از ویژگی‌های جوامع مدرن دانست.

نتایج فرضیه فرعی٦ تحقیق: بین معلومات درونی شده و مدیریت بدن در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران رابطه معنی‌داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های مولایی و همکاران (۱۴۰۳)، هاشمی خواه و زیبایی نژاد (۱۴۰۳)، جمشیدی و آتشی پور (۱۴۰۴)، رمضانی و همکاران (۱۴۰۴)، شریف‌نیا و همکاران (۲۰۲۴)، فیلیپوو و همکاران (۲۰۲۵)، پرینس و همکاران (۲۰۲۵) همخوان و همسو می باشد. برخلاف گذشته که هویتِ یک فرد در چهارچوب‌های از پیش داده شده خانوادگی و سنت‌های یک‌دست اجتماعی تعریف می‌شد، در دوران مدرن به دلیل از بین رفتن مرجعیت نهادهای سنتی، از سویی، و ظهور سبک‌های زندگی متنوع و مختلف، از سوی دیگر، هر فرد در معرض انتخاب‌های متنوع قرار گرفته است. امروزه هر فرد این اختیار را دارد تا در مواجهه با سبک‌های زندگی متنوع، آزادانه و با استناد به اطلاعاتی که به‌طور روزمره دریافت می‌کند، دست به انتخاب یکی از آن‌ها بزند و یا حتی سبک زندگی تازه و ویژه‌ای برای خود تعریف کند. این وضعیت پیش‌آمده در دوره جدید را اندیشمندان علوم اجتماعی هویت

1 - Deek et al.

بازاندیشانه یا هویت بازتابی می‌نامند. حاصل آنکه در دنیای امروز، فرد در فرآیند دخل و تصرف در بدن و ظاهر خویش، که اصطلاحاً از آن به‌عنوان مدیریت بدن یاد می‌شود، می‌کوشد تا شخصیت خود را بازسازی کرده و شکل ظاهری خویش را در اندام، چهره و حتی نوع آرایش و پوشش، به‌صورت پذیرفته‌شده اجتماعی آن، نزدیک کند. بدین‌صورت، اصطلاح مدیریت بدن به هرگونه اعمال‌نظر شخصی درباره ظاهر و بدن، آرایش و پوشش و دست‌کاری‌های بدنی نظیر تاتو، بریدن بخشی از بدن، بدن‌سازی و رژیم‌های لاغری و چاقی اطلاق می‌شود. موردتوجه قرار گرفتن این مفهوم یعنی مدیریت بدن، در دوران معاصر، معلول عوامل مختلفی ازجمله اهمیت یافتن بدن، از بین رفتن تفکیک‌های رایج، جنبش‌های فمینیستی، تحولات پزشکی، تغییر مفهوم هویت و تأثیرگذاری رسانه‌های است. بدین معنا که همه کنش‌های سازنده بافت زندگی روزمره، از ساده‌ترین اشکال تا پیچیده‌ترین، نیازمند دخالت عامل بدنی هستند و آدمی از طریق اعمال بدنیِ خود به جهانِ خود معنا می‌دهد و از این طریق بدن دارای اهمیت روزافزون می‌گردد. یکی از محدودیت‌های این تحقیق ابزار به کار رفته در این تحقیق پرسشنامه بود و افراد ممکن است به دلایل مختلف واقعیت‌ها را منعکس نمی‌کنند. برای رفع این کمبود بهتر بود از مصاحبه و مشاهده یا سایر موارد در صورت امکان استفاده شود که به دلیل محدودیت‌های زمانی، منابع و امکانات این امر میسر نیست. عدم پاسخگویی صحیح بعضی از آزمودنی ها به گزینه‌های خاص و محتاطانه عمل کردن بعضی از افراد برای فاش نکردن وضعیت خود.

پیش از هر چیز باید مسئولان به نقش حیاتی جوانان در برابر جامعه آگاه شوند تا بتوانند الگوهای صحیح رفتاری و اقدامات لازم را به جهت جلوگیری از غرب زدگی و کنترل ورود فرهنگ غلط و بیگانه غربی برای مد و آرایش ظاهر انجام دهند. لازم است به نیازهای جوانان برای رسیدن به ظاهر و مد خو واقف شوند بعد برنامه های هدایتی و حمایتی مثبتی را به آنها ارائه نمایید. به این جهت پیشنهاداتی ارائه می گردد.

۱- افزایش آگاهی اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دختر، خودشناسی و توانمندسازی آنان در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی به منظور کاستن از آسیب های اجتماعی و توجه بیشتر به سلامت جسم و روح.

۲- لزوم توجه متأهلان به جنبه ها و ابعاد مختلف شخصیتی خود و بالا بردن سطح مهارت‌های اجتماعی بدون نگرانی از ظاهر بدنی خود.

۳- بالا بردن احساس خود ارزشمندی انسان ها و توجه به ابعاد فرهنگی آنان.

۴- تغییر نگرش ابزاری افراد به بدن و کشف استعدادهای نهفته انسان ها و بکارگیری آنها.

۵- رفع تبعیض های جنسیتی در جامعه و بهره گیری زنان از آزادی های اجتماعی برخوردار مردان.

۶- باید توجه داشت که رسانه ها بر نگرش زنان نیز تأثیر دارند، لیکن نباید آنها را در معرض تبلیغات کودکانه قرار داد.

۷- باید دربارهٔ انتظارات اجتماعی از زنان با توجه به تحولات اخیر در سطح جهان تجدید نظر کرد.

منابع

احمدی، عزت‌الله، عدلی‌پور، صمد، افشار، سیمین، و بنیاد، لیلی. (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی و فرهنگی در میان دختران و زنان شهر تبریز. *فصلنامه پژوهشنامه زنان*، ۷(۱)، ۲۹–۵۲.

اکبرزاده، فاطمه، راسخ، کرامت‌الله، و کریمی، مجیدرضا. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر رژیم مصرف رسانه‌ای بر مدیریت مطلوب بدن زنان ورزشکار. *فصلنامه مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی*، (۴۱)، ۹۳–۱۰۱.

اکبرزاده، فاطمه، راسخ، کرامت‌الله، و کریمی، مجیدرضا. (۱۴۰۳). مطالعه پدیدارشناختی زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن بانوان جوان در آستانه ازدواج. *فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، (۶۶)، ۵۹۱–۶۰۰.

جعفری، کوثر. (۱۴۰۲). بررسی نقش آسیب‌پذیری روانی و مدیریت بدن در پیش‌بینی نگرش به روابط فرازناشویی. *فصلنامه علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم*، ۷(۲)، ۲۷۳–۲۸۶.

جمشیدی، فرانک، و آتشی‌پور، مرضیه. (۱۴۰۴). روایت سوژه‌شدگی زن تراز انقلاب اسلامی در آیینه‌ی انضباط بدنی، با تأکید بر کتاب دا. *فصلنامه مطالعات ملی*، (۱۰۳)، ۵۵–۷۸.

حاجی‌زاده میمندی، مسعود، و دیوبند، فائزه. (۱۴۰۴). واکاوی تجربه زیسته زنان یزدی از مصرف کالا و خدمات بدن‌محور. *فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، (۸۵)، ۸۸–۱۲۷.

حقیقتیان، منصور، هاشمیان‌فر، سیدعلی، و دارابی، مسعود. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی–فرهنگی مؤثر بر تصویر بدن با تأکید بر سبک زندگی در بین دختران و زنان جوان. *فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۴(۳۰)، ۱–۲۷.

دارا، جلیل، و صادقی، الهه. (۱۴۰۳). تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مدیریت بدن زنان در ایران از منظر خبرگان؛ مطالعه موردی اینستاگرام. *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، (۵۱)، ۳۷–۶۰.

رمضانی، کبری، قدیمی، بهرام، رضایی، مونا، و شریفی‌فر، فریده. (۱۴۰۴). ارائه مدل عوامل مؤثر بر سیاست‌های جسمانی مطلوب در ورزش بانوان. *فصلنامه جهش*، (۹)، ۵۸–۶۸.

سدیدپور، سمانه سادات. (۱۴۰۳). آسیب‌شناسی سبک زندگی با تأکید بر مطالعات مدیریت بدن در ایران. *فصلنامه جامعه‌شناسی ورزش*، ۹(۲۱)، ۶۴–۸۶

علیزاده‌اقدم، محمدباقر، فلاحی امامیه، فرناز، و سلطانی‌بهرام، سعید. (۱۴۰۴). گونه‌شناسی سبک مصرفی و مدیریت بدن زنان (مورد مطالعه: زنان شهر تبریز). *فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، (۸۲)، ۷–۵۰.

قاسمی، زهرا، و ابراهیمی، زینب. (۱۴۰۲). تبیین جامعه‌شناختی مدیریت بدن و الگوپذیری از ستاره‌های زن سینمای ایران: مطالعه موردی زنان مراجعه‌کننده به کلینیک‌های منطقه پنج تهران. *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، (۳۶)، ۳۹۹–۴۲۰.

محمدی، اصغر، و حیدری، سحر. (۱۴۰۳). مطالعه مسئله زیبایی بدن در هویت‌یابی دختران نوجوان: مطالعه شهر خرم‌آباد. *فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، ۱۸(۴)، ۸۷–۱۱۴.

ملکی، پرستو، خادمیان، طلیعه، و دهقان، حسین. (۱۴۰۳). تبیین جامعه‌شناختی عوامل اثرگذار بر مدیریت بدن زنان سنندج (مورد مطالعه: زنان ۲۵ تا ۴۵ سال ساکن شهر سنندج). *فصلنامه زن و جامعه*، ۱۵(۲)، ۱۴۹–۱۵۸.

مولایی، نرگس، بورقانی فراهانی، حمید، و فیاض کهنه‌گورابی، سیده معصومه. (۱۴۰۳). تبیین جامعه‌شناختی مدیریت بدن زنان. *فصلنامه مطالعات هنر و فرهنگ*، ۹(۳۱)، ۱–۱۷.

مونسی سرخه، مریم. (۱۴۰۴). عوامل مؤثر بر انتخاب لباس اجتماع زنان با رویکرد مدیریت بدن فوکو و گیدنز (مطالعه موردی: زنان ۲۰ تا ۳۰ ساله در شهر تهران). *فصلنامه زن در فرهنگ و هنر*، ۱۷(۱)، ۵۸–۷۵.

مهری، مریم. (۱۴۰۲). بررسی ابعاد اثرگذار بر مدیریت بدن زنان در فضای مجازی (اینستاگرام) (موردپژوهی: استان لرستان). *فصلنامه رویکردهای پژوهشی نو در علوم مدیریت*، (۴۰)، ۲۲۹–۲۴۲.

هاشمی‌خواه، زینب، و زیبایی‌نژاد، معصومه. (۱۴۰۳). بدن نوجوان در آینه اجتماع: مطالعه تجربه زیسته دختران نوجوان در نحوه پوشش و آرایش. *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، (۱۰۴)، ۱۷۱–۱۹۲.

Abdoli, M., Scotto Rosato, M., De Sousa, A., & Cotrufo, P. (2024). Cultural differences in body image: A systematic review. *Social Sciences*, *13*(6), 305. https://doi.org/10.3390/socsci13060305

Bonfanti, R. C., Melchiori, F., Teti, A., Albano, G., Raffard, S., Rodgers, R., & Lo Coco, G. (2025). The association between social comparison in social media, body image concerns and eating disorder symptoms: A systematic review and meta-analysis. *Body Image*, *52*, Article 101841. https://doi.org/10.1016/j.bodyim.2024.101841

Capoccia, D., Milani, I., Colangeli, L., Parrotta, M. E., Leonetti, F., & Guglielmi, V. (2025). Social, cultural and ethnic determinants of obesity: From pathogenesis to treatment. *Nutrition, Metabolism and Cardiovascular Diseases*, *35*(6), 103901. https://doi.org/10.1016/j.numecd.2025.103901

Sanzari, C. M., Gorrell, S., & Anderson, L. M. (2024). The impact of social media use on body image and disordered eating behaviors: Content matters more than duration of exposure. *Eating Behaviors*. https://doi.org/10.1016/j.eatbeh.2023.101722

Deek, M. R., Prichard, I., & Kemps, E. (2023). The mother-daughter-sister triad: The role of female family members in predicting body image and eating behaviour in young women. *Body Image*, *46*, 336–346. https://doi.org/10.1016/j.bodyim.2023.07.001

Filipov, M., Askarkyzy, A., & Aqarabi, M. (2025). Sociocultural factors hindering public communication of positive body image in Kazakhstan. *Changing Societies & Personalities*, *9*(2), 479–500. https://doi.org/10.15826/csp.2025.9.2.338

Fioravanti, G., Bocci, S., Benucci, W., & Casale, S. (2023). Body shame and problematic social networking sites use: The mediating effect of perfectionistic self-presentation style and body image control in photos. *Current Psychology*, *43*, 4073–4084.

Hewitt, J., & Murray, K. (2024). Negative body image mental health literacy in women: Exploring aesthetic and functional concerns and the role of self-objectification. *Body Image*, *48*, Article 101657. https://doi.org/10.1016/j.bodyim.2023.101657

Hollett, R. C., Panaia, P. M., & Smart, A. H. (2023). Gaze behaviour, body image in women and online apparel shopping. *International Journal of Consumer Studies*, *47*(5), 1999–2011. https://doi.org/10.1111/ijcs.12977

Pan, W. J., Zhou, X., & Tang, Z. (2024). Complex emotions and self-objectification: The impact of TikTok use on women's desire to change their appearance. *Journalism University*, (7), 74–88, 120.

Pareek, S., & Rema, M. K. (2023). Family environment and body image among young adults. *Indian Journal of Mental Health*, *10*(1), 45–51.

Prince, T., Driver, C., Boyes, A., Mulgrew, K. E., Elwyn, R., Mills, L., & Hermens, D. F. (2025). The neural underpinnings of body image-related cyberbullying in adolescent females: A proposed neurobiological model. *Behavioural Brain Research*. Advance online publication. https://doi.org/10.1016/j.bbr.2025.115647

Rosaria, J. M., & Juli, L. (2020). Body identity search: The suspended body. *Psychiatria Danubina*, *32*(1), 83–87.

Sharif-Nia, H., Sivarajan Froelicher, E., Gorgulu, O., Osborne, J. W., Błachnio, A., Rezazadeh Fazeli, A., Goudarzian, A. H., & Kaveh, O. (2024). The relationship among positive body image, body esteem, and eating attitude in Iranian population. *Frontiers in Psychology*, *15*, 1304555. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2024.1304555

Shi, X. (2025). Visible body anxiety: The mediatized management practices of quantifying body shapes and physicality. *International Journal of Applied Science*, *8*(2), 59. https://doi.org/10.30560/ijas.v8n2p59

Shin, Y., & Lee, S. (2023). Issues of virtual fashion influencers' reproduced bodies: A qualitative analysis based on body discourse. *Fashion and Textiles*, *10*, Article 30. https://doi.org/10.1186/s40691-023-00349-5

Tort-Nasarre, G., Pollina-Pocallet, M., Ferrer Suquet, Y., Ortega Bravo, M., Vilafranca Cartagena, M., & Artigues-Barberà, E. (2023). Positive body image: A qualitative study on the successful experiences of adolescents, teachers and parents. *International Journal of Qualitative Studies on Health and Well-Being*, *18*(1), Article 2170007. https://doi.org/10.1080/17482631.2023.2170007

Tylka, T. L. (2019). Body appreciation. In T. L. Tylka & N. Piran (Eds.), *Handbook of positive body image and embodiment: Constructs, protective factors, and interventions* (pp. 22–32). Oxford University Press. https://doi.org/10.1093/med-psych/9780190841874.003.0003